

بررسی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بیگناه در نظام دادرسی کیفری ایران

محدثه حشمتی^{۱*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

خلاصه

بسیاری از متهمین و مظنونین به ارتکاب جرایم در مراحل مختلف رسیدگی قضایی اعم از دادسرا و دادگاه، بازداشت موقت شده اما پس از طی پایان رسیدگی قضایی به پرونده، ممکن است بی‌گناه شناخته شوند و با این حساب، حبس مذکور موجب ورود ضرر و زیان مادی و مالی و صدمات روحی، روانی و عاطفی برای شخص بی‌گناه و خانواده وی شود. فرایند کیفری که به منظور اجرای دادگری و تشخیص بزهکار انجام می‌شود، گاهی به بیراهه می‌رود و به جای محکوم کردن گناهکار، بی‌گناهی را مورد حکم کیفری قرار می‌دهد. این در حالی است که اشتباهات قضایی در مراحل مختلف فرایند کیفری امکان بروز دارند. از جمله در مرحله تحقیقات مقدماتی، ممکن است مقام قضایی دلایل و قرائن را دال بر توجه اتهام به متهم بداند و با دستاویز به همان قرائن، دستور بازداشت متهمی را صادر نماید که در مرحله رسیدگی بی‌گناهی اش ثابت شود یا در صورت اثبات گناهکاری او، دادگاه وی را به کیفر (حبس) کمتر از مدت بازداشت محکوم نماید. هنگامی که جرمی واقع می‌شود از اولین اقدامات بازپرس انجام تحقیق مقدماتی است تا مرتکب این جرم را بیابد. بنابراین ممکن است در میان تحقیقات مقدماتی بازپرس از عده‌ای بازجویی نماید یا افرادی را به عنوان متهم شناسایی نماید. در نتیجه این شناسایی امکان صدور دستور بازداشت موقت متهم یا مظنون از طرف بازپرس وجود دارد. اما در ادامه تحقیقات ممکن است بازپرس یا دادگاه به این نتیجه برسد که متهم بازداشت‌شده مجرم نبوده، حکم برائت یا منع تعقیب وی به هر دلیلی صادر شود و فرد باید آزاد شود. قانون ما برای متهمانی که مجرم نبودند و بازداشت آن‌ها موجب ورود خسارت مادی و معنوی به ایشان گشت. شرایطی را پیش‌بینی می‌نماید تا این خسارت جبران شود.

کلمات کلیدی: جبران خسارت، بازداشت، متهمان بیگناه، نظام دادرسی کیفری.

مقدمه

پس از کشف یک جرم و در فرآیند تحقیقات مقدماتی، ممکن است افرادی به منظور انجام تحقیقات به صورت موقت بازداشت شوند، اما با تکمیل تحقیقات بی‌گناهی آنان ثابت شده و بازداشت موقت آنان پایان یابد. در چنین مواردی، قانونگذار امکان دریافت جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم را به رسمیت شناخته است، چرا که این مسئله از جمله حقوق شهروندی افراد و شایان حمایت است. فرد بازداشت‌شده می‌تواند درخواست خود مبنی بر دریافت خسارت ایام بازداشت را تقدیم کمیسیون ویژه استانی نماید و در صورت تأیید آن خسارت خود را از دولت مطالبه نماید. مسئله جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم از جمله حقوق شهروندی افراد جامعه است و شایسته است تا افراد نسبت به آن آشنایی کافی را داشته باشند.

از بارزترین مصادیق آزادی، آزادی تردد و رفت و آمد است. اما گاهی مقام قضایی با صدور قرار بازداشت در عمل موجب زندانی شدن متهم در تمام مدت تحقیقات مقدماتی و یا در قسمتی از آن می‌شود. این امر (بازداشت) که اقدام بسیار شدید علیه آزادی فردی است، مخالف با فرض برائت نیز هست. زیرا قبل از تعیین کیفر توسط یک دادگاه صالح، متهم در حال تحمل مجازات است. و از سوی دیگر قرار بازداشت آثار سویی بر اجرای دادگری خواهد گذاشت به گونه‌ای که دادرسان کمتر رغبت به صدور رای برائت شخصی که مدتی را در بازداشت گذرانده، نشان می‌دهند و برای عدم تکذیب بازپرس، تمایل به انتخاب کیفری دارند که دست کم، مدت آن با مدت بازداشت موقت، مساوی بوده و در صورت طولانی بودن آن، به سادگی از تعلیق اجرای کیفر و جایگزین‌های حبس استفاده نمی‌کنند. این وضعیت هنگامی شدیدتر می‌شود که در صورت اعلام بی‌گناهی شخصی که مدت طولانی در بازداشت بوده، دولت مکلف به پرداخت زیان به چنین شخصی باشد [۱]

ترس از بازداشت نزد بسیاری از افراد، خود از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند از تکرار جرم و «انحراف دومین» آنان ممانعت به‌عمل آورد؛ اما این ترس بر اثر زندانی شدن در طول بازداشت موقت که می‌تواند در برخی موارد بسیار طولانی باشد نه تنها فرو می‌ریزد؛ بلکه متهم در توقیف گاه (که متأسفانه در بسیاری از کشورها از نظامی متفاوت با زندان محکومان تبعیت نمی‌کند) بر اثر نزدیکی با سایر زندانیان ویژگی‌های مثبت شخصیتی و خاصیت اصلاح‌پذیری خود را از دست می‌دهد.

هم چنین بازداشت موقت بر حق دفاع متهم نیز آثار سویی خواهد داشت و او را از دسترسی آزاد به اطلاعات حقوقی، استفاده از مشاوره یک وکیل دادگستری محروم می‌کند و به او اجازه تدارک دفاعی معقول و منطقی نمی‌دهد. هم چنین دوری از محیط اجتماعی در دوران ایام بازداشت آثار روانی مخربی بر شخص بازداشت‌شده خواهد گذاشت. و از همه مهم‌تر این که، آثار اجتماعی و روانی بازداشت موقت که گفته شد خود امری خلاف فرض برائت است، به تنهایی محدود به متهم نخواهد بود، بلکه اطرافیان و خانواده او را هم در بر می‌گیرد [۲]

با توجه به زیان‌های بسیاری که بازداشت موقت دارد - که به برخی از آن‌ها در بالا اشاره شد - امروزه گرایش به محدود کردن هر چه بیشتر موارد صدور قرار بازداشت موقت است و شرایطی ماهوی و شکلی برای این امر در نظر گرفته می‌شود که صدور آن به کم‌ترین اندازه برسد و به تعبیری در سطح بین‌المللی نیز از بازداشت موقت به عنوان اقدامی «بد» ولی «گاه ضروری» یاد می‌شود. و در عین حال چنانچه برای فردی قرار بازداشت صادر شد، حقوق او به نحو کاملی تضمین شود به گونه‌ای که شخص متهم به تنهایی از آزادی رفت و آمد محروم شود و به سایر حقوق او لطمه‌ای وارد نشود.

این امر اقتضای آن را دارد که موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری موضوع ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) از بین برده شده و سیستم دادگری کیفری به سمتی حرکت نماید که از جایگزین‌های قرار بازداشت موقت استفاده نماید. به گونه‌ای که استفاده از قرارهای جایگزینی «کنترل قضایی» به عنوان اصل، سرمشق کار

سامانه دادرسی کیفری قرار گیرد و قرار بازداشت به تنهایی به عنوان آخرین راه حل و در جاهایی که عمل ارتكابی بسیار شدید است و یا جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم به تنهایی با بازداشت مسلم می شود و یا آزاد گذاردن متهم منجر به از بین بردن آثار جرم و تبانی با شهود و مطلعین خواهد شد و یا بازداشت نمودن متهم به عنوان یک اقدام تأمینی، توجیه گر حفظ حیات متهم یا ممانعت از تکرار جرم او باشد، به صدور قرار بازداشت موقت برای مدت معقول و متناسب اقدام نمود.

ناگفته نماند قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در ماده ۲۳۷ موردی را برای صدور قرار بازداشت موقت اجباری پیش بینی نکرده، بلکه صدور آن را در پاره ای موارد جایز اعلام نموده است. اما متأسفانه اجرای این قانون با تقاضای قوه قضاییه و طرح تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که قانون یادشده در دوره آنان (دورنهم) تصویب شده و در نوع خود بسیار عجیب است، به حالت تعلیق درآمده است [۳]

به طور کلی جبران خسارت متهمان و محکومانی که دچار آسیب های ناشی از صدور قرارهای تأمین کیفری یا اجرای حکم شده و بی گناه بودن ایشان با صدور احکام برائت محرز شده است، یکی از چالش های مسئولیت مدنی در حقوق کیفری به شمار می آید. در چند سال اخیر در قوانین ایران تغییرات مثبتی در جبران خسارت متهمان برائت یافته صورت گرفته، اما تاکنون هیچ سازوکار اختصاصی منسجمی در راستای جبران خسارت محکومینی که تمام یا قسمتی از مجازات را تحمل نموده و بی گناهی ایشان ثابت شده، پیش بینی نشده است. در نظام حقوقی کانادا عکس این روند صادق است و محکومان بی گناهی که قسمتی از مجازات ناروا را تحمل نموده اند، مستحق دریافت خسارت هستند. در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن تحقیق و مطالعه تطبیقی در قواعد بین المللی الزام آور حاکم بر موضوع، راهکارهای مؤثر جبران خسارت متهمان و محکومان بی گناه در هر دو سیستم حقوقی بررسی شود.

بنیان های نظری

تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، که از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم الاجراء گردید، مسئله جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس تحمل شده به دستور مقامات قضایی، آنگاه که منتهی به رأی برائت یا منع پیگرد می گردید، به طور خاص و مشخص در هیچ یک از مقررات جاری پیش بینی نشده بود. علاوه بر این، مقررات عام مسئولیت مدنی به تنهایی برای جبران ضرر و زیان های ناشی از چنین بازداشت هایی کافی نیستند، زیرا ابهامات زیادی در خصوص مبنای مسئولیت دولت، منشأ و اشکال خسارت قابل جبران، شیوه های جبران و مسئولین نهایی خسارت وجود دارند. بنابراین، پیش بینی صندوق خاص و نیز مراجع اختصاصی و به دور از تشریفات عادی و قواعد عمومی آیین دادرسی مدنی لازم است، زیرا شخصی که یک بار بزه دیده نظام عدالت کیفری شده است نباید دوباره بزه دیده مشکلات ناشی از تشریفات و مقررات قانون آیین دادرسی مدنی برای دریافت خسارت شود.

از این رو، نظام عدالت کیفری برای جبران این بی عدالتی باید سازکارهای سریع، ساده و قابل دسترس را برای متهم بی گناه یا زیان دیده از بازداشت غیرقانونی پیش بینی و امکان ترمیم اشکال گوناگون ضرر و زیان اعم از مادی و معنوی را فراهم کند. خوشبختانه در مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری، گام های اساسی برای نیل به این اهداف برداشته شده است؛ این مقررات در این زمینه دارای نوآوری هایی از حیث ایجاد مراجع خاص استانی و ملی برای رسیدگی به درخواست ها و صدور حکم و تأسیس صندوقی برای پرداخت خسارات مورد حکم زیر نظر وزیر دادگستری هستند. آیین نامه اجرایی مربوط نیز در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۱ تحت عنوان «آیین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت» در ۲۷ ماده و ۹ تبصره از تصویب رئیس قوه قضائیه گذشته و زمینه را برای اجرای عملی مقررات قانونی فراهم کرده است.

در توجیه ضرورت مسئولیت دولت برای جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم پس از صدور قرار منع تعقیب یا رأی براءت، به مواردی نظیر ضرورت رعایت مساوات میان افراد جامعه در تحمل مخارج و عوارض جانبی برقراری عدالت و نیز به اصل براءت استناد می‌شود. برای نمونه، گفته می‌شود که بازداشت متهم بی‌گناه (تبرئه‌شده یا برخوردارشده از قرار منع تعقیب) نشان می‌دهد که ظلمی در حق او روا داشته شده که با رأی براءت مغایرت دارد؛ ضمن آنکه هزینه‌ها و عوارض ناخواسته ناشی از فعالیت نظام عدالت کیفری باید میان تمام افراد جامعه یکسان توزیع شود و ناعادلانه خواهد بود که این هزینه‌ها و مخارج را تنها تعداد خاصی از اشخاص که در فرایند دادرسی بازداشت می‌شوند به تنهایی تحمل نمایند. اما به نظر ما به دلایل زیر این توجیهات همیشه قابل قبول نیستند:

نخست اینکه اگر هیچ تخلف و تقصیری از سوی مقامات حکومتی در بازداشت متهم یا تداوم آن صورت نگرفته و مقررات مربوط از هر حیث کاملاً رعایت شده و مدت بازداشت شخص هم با توجه به جمیع اوضاع و احوال قضیه در حد ضرورت و کاملاً متناسب باشد، جبران خسارت ناشی از بازداشت تنها در صورتی به حکم عقل لازم است که نخست، شبهه‌ای در بی‌گناهی حقیقی متهم نباشد و دوم، شخص دیگری غیر از دولت مسئول جبران خسارت نبوده یا شخص مسئول تمکن جبران خسارت را نداشته یا استیفای حق متهم از اموال وی دشوار باشد.

توضیح اینکه در حقوق کیفری به دلیل وجود اصول تفسیر شک به نفع متهم در حقوق ماهوی و فرض بی‌گناهی در حقوق شکلی، چه بسا با عدم مجازات کسانی مواجه می‌شویم که در عالم واقع سزاوار کیفر بوده‌اند، اما به علت وجود شبهه یا از بین رفتن ادله یا به دست نیامدن دلایل کافی از آنها به هر تقدیر رفع اتهام شده است. پس جبران خسارت به صرف صدور رأی براءت یا قرار منع تعقیب به این معنی است که بپذیریم به تعدادی از مجرمان واقعی که جرم آنها اثبات نشده، توسط دولت خسارت پرداخت گردد. این امر به معنی افزایش سود احتمالی حاصل از ارتکاب جرم در نظر بزه‌کار بالقوه و احتمالاً تشویق او به پذیرش خطر یا ریسک ارتکاب جرم خواهد بود، زیرا با خود خواهد اندیشید که در صورت بازداشت شدن برای ارتکاب جرم، چه بسا نه تنها تبرئه شود بلکه از دولت خسارت هم دریافت کند.

جهت احتراز از این تالی فاسد، به نظر ما باید در غیر موارد بازداشت غیرقانونی که تخلفی از مقامات حکومتی سر زده و موجب شروع یا تداوم بازداشت بر خلاف مقررات شده یا ضعف ساختاری نظام عدالت کیفری موجب تداوم نامتناسب بازداشت گردیده، در سایر موارد اثبات بی‌گناهی حقیقی متهم را شرط بدانیم؛ مثل اینکه با آزمایش دی.ان.ای معلوم شود که مرتکب قتل یا تجاوز جنسی مورد نظر شخص دیگری جز متهم تبرئه‌شده بوده است.

به عنوان دلیل دوم، باید به این نکته توجه داشت که دولت مسئولیت ناشی از شهادت دروغ یا اعلام خلاف واقع جرم را بیمه‌مجانانی نکرده است! اگر به رغم اینکه شاهد کاذب یا مرتکب اعلام خلاف واقع جرم قادر به جبران خسارت است، دولت را بدون اثبات تقصیر در شروع یا تداوم بازداشت مسئول جبران خسارات حاصل از شهادت کذب یا اعلام خلاف واقع جرم بشناسیم، به طور غیرمستقیم مشوقی برای شهادت کذب یا اعلام توأم با سوءنیت جرم ایجاد کرده‌ایم که هرگز به مصلحت نیست. در پاسخ به این اشکال ممکن است گفته شود که مراجعه بعدی دولت به شاهد کاذب یا مسئول اعلام خلاف واقع جرم، اشکال را مرتفع می‌سازد. اما به نظر ما این حق رجوع بعدی دولت به قدر کافی برای بازدارندگی از شهادت کذب یا اعلام خلاف واقع جرم بازدارندگی ندارد، چه امکانات دولت برای پیگیری دعاوی خصوصی محدود است و بعید است کارمندان دولت به قدر خود شخص زیان‌دیده از بازداشت، علاقه‌مند به استیفای خسارت از اموال شاهد کاذب یا مسئول اعلام خلاف واقع باشند یا فرصت پیگیری موضوع را پیدا کنند.

سرانجام دلیل سوم تردید ما در توجیهات عنوان‌شده برای پرداخت خسارت به بازداشت‌شدگان به اصطلاح بی‌گناه این است که پرداخت خسارت بابت بازداشت‌های قانونی در غیر مورد اثبات بی‌گناهی حقیقی متهم، عوارض پیش‌بینی‌نشده‌ای را می‌تواند به همراه آورد، از جمله اینکه احتمال می‌رود مقامات قضایی برای صدور قرارهای منتهی به بازداشت بیش از حد

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۵۵ خود اشاره می‌کند که اگر افراد حین تحقیقات مقدماتی و به هر علتی بازداشت گردند. پس از دریافت حکم براءت یا قرار منع تعقیب می‌توانند بر اساس ماده ۱۴ همین قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه نمایند. در ماده ۱۴ همین قانون نیز اشاره می‌شود که شاکی قادر است تمامی خسارت‌های مادی و معنوی که

ناشی از وقوع جرم است مطالبه نماید.

البته از آنجا که جبران خسارت معنوی آسان نمی‌باشد. قانون‌گذار در تبصره این ماده؛ پرداخت خسارت مالی، الزام به عذرخواهی و درج حکم در روزنامه‌ها را از انواع جبران خسارت معنوی نام می‌برد. علاوه بر مواد قانونی فوق در قانون مجازات اسلامی نیز می‌توانیم نمونه‌های مشابهی پیدا کنیم که به لزوم جبران خسارت ایام بازداشت بی‌گناه اشاره می‌کند.

آیا جبران خسارت بازداشتی در هر شرایطی مجاز است ؟

پیش‌تر اشاره کردیم که قانون ایران به فرد بی‌گناهی که طی تحقیقات مقدماتی بازداشت شد این اجازه را می‌دهد. تا از دولت جبران خسارت ایام بازداشتی خود را مطالبه نماید. اما قانون برای این افراد محدودیت‌هایی نیز در نظر گرفته است. قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۵۶ خود به مواردی که فرد بازداشت‌شده مستحق جبران خسارت نمی‌باشد اشاره می‌کند. بر اساس این ماده چهار دسته از افراد مستحق جبران خسارت ایام بازداشت نمی‌باشند که به شرح زیر است:

اول؛ شخص از ارائه مدارک و اسناد دال بر بی‌گناهی خود خودداری نماید و این عمل موجب گردد شخص در بازداشت باقی بماند.

دوم؛ شخص جهت کمک به فرار مرتکب اصلی جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار دهد.

سوم؛ خود شخص به هر دلیلی و به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم کند.

چهارم؛ اگر در همان زمان به علت قانونی دیگر در بازداشت به سربرد [۶]

در چه مواردی بازداشتی مستحق جبران نیست؟

در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست:

الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد.

ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد.

پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد.

ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

نحوه جبران خسارت ایام بازداشت

در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مسئولیت دولت نسبت به خسارات ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه، اعم از اینکه مبنای مسئولیت تقصیر یا خطای قاضی یا اشخاص دیگر باشد، پذیرفته شده است. قانون یاد شده، ضمن شناسایی «حق» زیان دیده در مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت، آیین ویژه‌ای را نیز به منظور اجرای این حق پیش‌بینی کرده است. این اقدام قانون‌گذار را می‌توان گامی در جهت تحقق دادرسی منصفانه و احترام به اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) تفسیر نمود. نظام حقوقی پیش‌بینی شده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری دولت را همچون حایلی میان زیان دیده و قاضی خطاکار قرار داده است. بر این اساس، متهم بی‌گناه خسارات ناشی از بازداشت موقت را از

دولت مطالبه می کند و دولت پس از جبران خسارت می تواند تحت شرایطی به مسوول اصلی مراجعه نماید.

طبق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رییس قوه قضاییه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می کند. در صورت رد درخواست، این شخص می تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند [۷]

جبران زیان از بی گناهان

به رغم آن که انصاف و دادگری از دیرباز نویسندگان و حقوقدانان را بر آن داشته بود که به این امر مهم، توجه کنند، اما مسأله جبران زیان از بی گناهان در اکثر کشورهای جهان در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم به سکوت برگزار شده و در قوانین موضوعه اغلب کشورها، مقرراتی در این زمینه وضع نگردیده بود. علت این امر آن است که به نظر مخالفین، جبران زیان متهمینی که تبرئه شده و یا قرار منع تعقیب آنان صادر گردیده از یک سو با برخی از قواعد حقوقی مغایرت دارد و از سوی دیگر مسأله مسوولیت دولت را مطرح می سازد.

مخالفین می گویند که با بررسی مجدد پرونده متهم بی گناه، به منظور تعیین خسارات وارده بر او باعث نقض قاعده «حاکمیت امر مختوم کیفری» شده و ارزش حکم برائت را خدشه دار می سازد. زیرا، چه بسا دادگاه به رغم این که حکم بر برائت متهم صادر شده باشد، وی را مستحق دریافت زیان نداند، در این صورت حکم برائت به قوت و ارزش خود باقی نخواهد ماند.

به نظر می رسد که ایرادهای یادشده وارد نیستند. زیرا رسیدگی جدید، به منظور تجدیدنظر در رأی برائت صورت نمی گیرد، بلکه هدف آن تعیین میزان زبانی است که بر متهمین سابق وارد شده است و به این جهت، دعوای اخیر هر چند که متعاقب دعوای قبلی ایجاد شده و در واقع از آثار دعوای قبلی است، اما از اساس با دعوای قبلی متفاوت است. به همین دلیل، شکستن قاعده «اعتبار قضیه محکوم ب ها» محسوب نمی شود.

دومین ایراد نیز از وجاهت چندانی برخوردار نیست. زیرا آن گونه که مخالفین می گویند، عدم پذیرش دعوای مطالبه زیان از جانب متهم، به منزله بی اعتباری رأی برائت نیست و آن را از درجه اعتبار ساقط نخواهد کرد. زیرا رأی برائت مربوط به رسیدگی کیفری است ولی دعوای مطالبه زیان، دعوایی مدنی است و این دو دعوا از ماهیت با هم تفاوت دارند. وانگهی ضرورت چنین ایجاب نمی نماید که همواره صدور رأی برائت به معنای سزاوار بودن متهم به دریافت زیان باشد. زیرا گستره اصل برائت تا آن جاست که اقتضاء می نماید متهم تبرئه شده اعم از اینکه در حقیقت بی گناه باشد یا سامانه دادگری کیفری به هر دلیلی متهم را بی گناه شناخته باشد. بار دیگر تحت تعقیب و کیفر قرار نگیرد.

در زمینه ایراد دیگر، مخالفین که می گفتند جبران زیان از متهمین بی گناه به اقتدار دولت لطمه وارد می کند و دامنه مسوولیت دولت را گسترش می دهد و با اصولی نظیر «اصل عدم مسوولیت دادر» مغایرت دارد، باید گفت که امروزه از طرفی قواعد ناظر بر مسوولیت مدنی دولت تغییر یافته اند و دولت دیگر آن دژ مستحکم آسیب ناپذیر نیست که نتوان علیه او طرح دعوا نمود و از او مطالبه زیان نمود. در حقوق ایران نیز در صورتی که متهمی به لحاظ اعمال غرض و سوء نیت قاضی، مدتی را تحت بازداشت موقت سپری کند، طبق ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات و اصل ۱۷۱ قانون اساسی قاضی از حیث توقیف ناقانونی دارای مسوولیت کیفری است و متهم نیز سزاوار دریافت زیان ناشی از بازداشت ناقانونی می باشد. به علاوه قاضی متخلف به جهت صدور قرار نامتناسب، تحت تعقیب انتظامی قرار می گیرد.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت زیان به وسیله دولت جبران و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد». همان گونه که از ظاهر مفاد اصل یادشده برمی آید، موسس قانون اساسی در این اصل، هم فرضیه تقصیر و هم فرضیه خطر را مد نظر قرار داده و بنابراین در مورد کوتاهی دادرسی، خود او را ضامن شناخته و در صورت مقصر نبودن دادرسی، جبران زیان را بر عهده دولت

گذاشته و در هر حال، امر به اعاده حیثیت متهم کرده است.

ایجاد امکان جبران زیان ایام بازداشت، در صورت صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب متهم نیز از محل صندوق اعتباری مقرر در ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صورت می‌گیرد که از نوآوری‌های اساسی این قانون به شمار می‌رود. بر این اساس، ماده ۲۵۵ این قانون مقرر می‌دارد: "اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند". به رغم صراحت قانون، قانون‌گذار متأسفانه در ماده ۲۵۶ همان قانون دایره شمول آن را محدود نموده و "در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست:

الف- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد

ب- به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد

پ- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد

ت- همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد".

در همین ارتباط، "شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران زیان را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه، تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد درخواست، این شخص می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۲۵۸) این قانون اعلام کند." (ماده ۲۵۷). برابر ماده ۲۵۸ این قانون؛ "رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در کمیسیون ملی جبران زیان، متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوانعالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضائیه به عمل می‌آید. رأی کمیسیون قطعی است."

برابر ماده ۲۵۹ قانون مزبور؛ "جبران خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسؤول اصلی مراجعه کند". مسئولیت مزبور به ترتیب دیگری نیز در قانون مسئولیت مدنی نسبت به دادگاه و قاضی صادره‌کننده رأی مستوجب زیان، مقرر شده است. در سامانه حقوقی ایران هر چند ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی با محدودیت‌هایی که برای مسئولیت مدنی دولت در نظر گرفته است، دامنه آن را بسیار محدود نموده است و به این جهت در گام‌های بعدی قانون‌گذاری باید تلاش به اصلاح این ماده و پذیرش مسئولیت مدنی دولت معطوف شود.

به هر حال، اصل حاکمیت دولت و یا برخی قواعد (آداب) حقوقی که به آن‌ها اشاره گردید، نباید مانع از شناخت مسئولیت دولت در برابر بی‌گناهان گردد. هر چند که رسیدگی به دعوای کیفری و تشخیص ناکرده بزه، از بزهکار، همواره کار ساده و آسانی نبوده و با آن که دادرسان تحقیق و مقام‌های دادرسان در کمال بی‌طرفی و بی‌نظری و با حسن نیت لازم انجام وظیفه می‌نمایند، اما در موارد متعدد قرارهای منع تعقیب و یا احکام برائت کسانی که مدت‌ها به عنوان متهم در زندان سپری کرده و شغل و حیثیت خود را در اثر اشتباه قضایی از دست داده‌اند، صادر می‌گردد. در این قبیل موارد که برای حفظ نظم جامعه یکی از افراد آن جامعه بی‌جهت قربانی می‌گردد، دولت باید بار این مسئولیت را بدوش گرفته و جای هیچ تردیدی نیست در صورتی که توقیف و بازداشت نادرستی متهم ناشی از سوءنیت دادرسان باشد دولت پس از پرداخت زیان به شخص بی‌گناه، حق مراجعه به دادرسان متخلف را خواهد داشت. به هر حال، امروزه جبران زیان در قالب «اصل جبران زیان بی‌گناهان» در قوانین بسیاری از کشورها از نیمه دوم قرن بیستم مورد پذیرش قرار گرفته است. در ایران به رغم پیش‌بینی

مفاد این قاعده حقوقی، در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، هم چنان که شرح آن گذشت، متأسفانه ساز و کار قانونی برای اجرای این اصل-جز قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) که اجرای آن با تقاضای قوه قضاییه و طرح نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اهاله ای از ابهام فرو رفته، مورد تصویب قانون گذار قرار نگرفته است [۹]

لزوم جبران خسارت متهم بی گناه در ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری شناخته شده است و آمده است که: اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علتی بازداشت شوند، در صورت صدور حکم برائت آنها از سوی مراجع قضایی، می توانند خسارت ایام بازداشت خود را از دولت مطالبه کنند.

بر اساس ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. منظور از زیان معنوی صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید. منافع ممکن الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.

علاوه بر این در ماده ۱۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز لزوم جبران خسارت ایام بازداشت فرد بی گناه مورد اشاره قرار گرفته است به این ترتیب که:

اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل شود مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی یا جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد یا خسارت مذکور مستند به آنان است، اعم از ادا کننده سوگند یا شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می شوند [۱۰]

اعضا کمیسیون ملی جبران خسارات چه اشخاصی هستند؟

این کمیسیون متشکل از رئیس دیوان عالی کشور و یا یکی از معاونان وی و نیز دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رییس قوه قضاییه است.

رای این کمیسیون قطعی است.

جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت متهم بی گناه بر عهده کیست؟

جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت متهم بی گناه بر عهده دولت است.

در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می تواند به مسئول اصلی مراجعه کند [۱۱]

نتیجه گیری

حق بازداشت یکی از مهم ترین اختیاراتی است که در راستای مبارزه مؤثر با جرم به مقام های نظام عدالت کیفری اعطا شده

است. هرچند تلاش شده از طریق الزام مأموران به رعایت ضوابطی مانند وجود ادله متقن پیش از بازداشت، از بازداشت افراد بی‌گناه پیشگیری شود، ولی در برخی موارد با وجود رعایت موازین قانونی در زمان شروع و ادامه بازداشت، در نهایت رأی بر بی‌گناهی متهم بازداشت شده صادر می‌شود. در این مورد این سوال اساسی مطرح می‌شود که آیا فرد بازداشت شده می‌تواند بابت مدت بازداشت و خساراتی که در طول آن متحمل شده، غرامت درخواست کند؟ هرچند دیدگاه‌های موافق و مخالفی مطرح شده است، ولی استدلال موافقان از پشتوانه قوی‌تری برخوردار است. در همین راستا در دهه‌های اخیر در نظام‌های مختلف کیفری از جمله فرانسه (از سال ۱۹۷۰ میلادی) و ایران (از سال ۱۳۹۲ شمسی) این حق به رسمیت شناخته و جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی‌گناه وارد قوانین آیین دادرسی این دو کشور شد.

بر طبق قانون در صورتی که متهم بعد از بازداشت موقت، حکم برائت بگیرد و بنا بر دلایلی دیگر مجرم شناخته نشود می‌تواند خسارت ایام بازداشت را مطالبه کند. یکی از مهم‌ترین اختیاراتی که مقامات قضایی در جهت مبارزه با جرم برعهده دارند، حق بازداشت مظنونان و متهمان است. این امکان وجود دارد که روند نهایی دادرسی کیفری منتهی به برائت یا منع تعقیب فرد شود. بنابراین دادرسی منصفانه و اخلاق‌ای می‌کند که دولت جبران خسارت ایام بازداشت شده ناموجه افراد را پرداخت نماید. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مسئولیت دولت به خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی اعم از اینکه مبنای مسئولیت تقصیر یا خطای قاضی یا اشخاص دیگر باشد مورد پذیرش قرار گرفته است.

منابع

۱. غلامی، مسلم، کلاتری‌درونکلا، کیومرث، گلدوزیان، دکترایرج، اسماعیلی. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل بر حقوق شهروندی زندانی بی‌گناه (جبران خسارت اجتماعی و اقتصادی) و آیین دادرسی آن در نظام حقوقی ایران. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲۰(۵)، ۱۰۶۰-۱۰۷۸.
۲. آقابابایی بخشایش، پاکزاد، بتول، مهدوی ثابت، رحمدل، منصور. (۱۳۹۹). ضرورت بازنگری در ملاک و آیین جبران خسارت از متهمان بازداشت شده در فرایند دادرسی کیفری ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۹(۳۳)، ۲۵۳-۲۷۸.
۳. شایگان، آشوری، محمد. (۱۳۹۷). نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه؛ پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۳)، ۴۷-۷۹.
۴. آقابابایی بخشایش، پاکزاد، بتول، مهدوی ثابت، رحمدل. (۱۴۰۰). جبران خسارتهای ناشی از بازداشت افراد بی‌تقصیر (با تاکید بر نقش و جایگاه ضابطین دادگستری). پژوهش‌های دانش انتظامی، ۸۹(۲۲)، ۲۰۲-۲۲۷.
5. SHAYEGAN, E., & ASHOURI, M. (2018). The legal system of compensation for damage caused by the arrest of the accused innocent; Research in comparative law and Iranian law. Journal of Criminal Law Research, 6(23), 47-79.
6. Saghian, M. M. (2015). The Reinforcement of Rights of Accused in the Primary Investigation Stage of Criminal Procedure Law (2014). Journal of Criminal Law Research, 2(6), 113-136.
۷. کهندانی، محسن، رضوی فرد. (۱۳۹۹). تضمین‌های حقوق شهروندی متهمان جرایم تروریستی در مرحله تحقیقات؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلستان و مصر. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۳(۷)، ۱۵۷-۱۸۷.
۸. باریکلو، بادینی، حسن، خانجانی، محمد کاظم. (۱۴۰۰). جبران خسارت متهمان و محکومان بی‌گناه در نظام حقوقی ایران و کانادا. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۷(۲)، ۲۳-۴۶.

۹. فلاح نژاد. (۱۴۰۱). استقلال و بی طرفی قضایی جلوه ای از دادرسی منصفانه در جهت حفظ حقوق شهروندی؛ سیستم حقوقی ایران در مقایسه با جمهوری خلق چین. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳(۲)، ۷۷۵-۷۳۷.

10. Sanganeh, R., Zeraat, A., Ganji, M., & Khosroshahi, G. (2019). Investigating the Socio-cultural Barriers to the Implementation of Citizenship Rights in Isfahan Province. Strategic Research on Social Problems, 8(1), 37-60.

۱۱. ساقیان، محد مهدی. (۱۳۹۴). تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۹۲. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶)، ۱۱۳-۱۳۶.